



پادشاه فرانسه در جریان انقلاب این کشور (1793م)

وخامت اوضاع اقتصادی در فرانسه باعث شد تا لویی شانزدهم و هیأت حاکمه این کشور از نمایندگان طبقات مختلف جامعه برای اجتماع و یافتن راه حل کمک جویند اما در عمل، این طبقات اشرافی بودند که به منافع دست یافتند.

اعدام "لرد، شانزدهم" پادشاه فرانسه در جریان انقلاب این کشور (1793م)

وخامت اوضاع اقتصادی در فرانسه باعث شد تا لویی شانزدهم و هیأت حاکمه این کشور از نمایندگان طبقات مختلف جامعه برای اجتماع و یافتن راه حل کمک جویند اما در عمل، این طبقات اشرافی بودند که به منافع دست یافتند. با این پیش زمینه از اوایل سال 1789م انقلاب فرانسه وارد اولین مرحله خود شد و مردم خشمگین از اعمال مستبدانه لویی شانزدهم سر به شورش برداشتند. آنها پس از به غنیمت گرفتن توپ و تفنگ از دولت، در 14 ژوئیه 1789م زندان باستیل، محل نگهداری زندانیان سیاسی را با خاک یکسان کردند و ضربه‌ای سخت و مستقیم بر حکومت دیکتاتوری وارد نمودند. در ادامه رویدادهای فرانسه، در دهم اوت 1792م، خاندان سلطنتی محبوس شدند و از سوی رهبران انقلاب، انقراض حکومت پادشاهی و تأسیس جمهوری اعلام گردید. ولی اتخاذ تصمیم نهایی درباره سرنوشت خانواده سلطنتی به عهده مجلس دیگری که کنوانسیون نامیده می‌شد محول گردید. بحث کنوانسیون درباره سرنوشت لویی شانزدهم 24 ساعت به طول انجامید و در این مدت، یک یک اعضای کنوانسیون، پشت تریبون رفته و پس از اظهار نظر، رای خود را اعلام می‌کردند. در تمام مدت تشکیل جلسه، در اطراف کنوانسیون، تظاهراتی به طرفداری از صدور حکم اعدام لویی شانزدهم جریان داشت. در چنین جوی، تصویب حکم اعدام پادشاه فرانسه در کنوانسیون، امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بود. در نهایت، این مجلس در 16 ژانویه 1793م، پیشنهاد اعدام لویی را داد؛ زیرا وجود لویی را خطر بالقوه‌ای برای جمهوری تازه تأسیس فرانسه می‌دانست. بدین ترتیب، لویی شانزدهم به جرم دیکتاتوری و نیز همدستی با کشورهای بیگانه محاکمه و در 21 ژانویه 1793 در 39 سالگی در میدانی که امروز به نام میدان کنکور معروف است به وسیله گیوتین اعدام شد. نکته شگفت‌آور اینکه او با همه ضعف و زبونی که در حل مسائل زندگی‌اش از خود نشان داد، مرگ را با شجاعت و خونسردی استقبال کرد.